

انقلاب اسلامی و اهداف غرب و غربگرایان در جعل اصطلاح «اسلام سیاسی»

نرجس عبدیائی^۱

مقدمه

مهم‌ترین مسائل مربوط به جهان اسلام، به خصوص پس از انقلاب اسلامی، پیدا شدن مفهوم جدیدی تحت عنوان اسلام‌گرایی سیاسی، اهداف و برنامه‌های آنها، در مواجهه با غرب و تأثیرات آن در جهان اسلام است. بررسی توده‌ای یا یک‌دست این طیف‌ها زیر مسئله اسلام سیاسی یا اسلام‌گرایی سیاسی به دور از دقت و منطق حاکم بر این جریان‌ها خاصه حول محور بیداری اسلامی است. این پژوهش ضمن جریان‌شناسی و رصد انگیزه‌های غربی در به کارگیری مفهوم اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی سیاسی، تبیین اقسام گروه‌های مختلف اسلام‌گرایی سیاسی و طیف‌های فعال مسلمانان در عرصه سیاست را مدنظر دارد. شکل و محتوای این جریان‌ها در فرآیند جریان‌شناسی اسلام، اشتراکات و اختلافاتی دارد. شناخت اسلام‌گرایی سیاسی به عنوان یک نماد کلی از حوزه فعالیت سیاسی مسلمانان و ریشه‌ها و شاخصه‌های آن، کمکی مهم در جهت شناخت وقایع تاریخی منتسب به آنها از جمله بیداری اسلامی و انقلاب‌های معاصر می‌باشد.

۱. کارشناس ارشد علوم سیاسی



سؤال اصلی و اساسی این پژوهش آن است که نشان دهد جریان‌شناسی اسلام‌گرایی سیاسی یا اسلام سیاسی چه طیف‌هایی را شامل می‌شود و غربی‌ها از انتساب گروه‌های اسلامی به این مفاهیم و به کارگیری این مفاهیم در برخورد با جریان‌های اسلامی چه اهدافی را تعقیب می‌کنند.

اهداف غرب در به کارگیری اصطلاح اسلام سیاسی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران اسلام سیاسی یکی از نسبت‌ها و عناوینی است که از ناحیه رسانه‌های غربی به جریان‌های سیاسی موجود در جهان اسلام اختصاص پیدا کرده است. تعابیر مختلفی نظیر بنیادگرایی اسلامی، تجدید حیات اسلامی، فعال‌گرایی اسلامی، اسلام‌گرایی سیاسی، احیاءگرایی اسلامی، اصلاح‌طلبی اسلامی و رادیکالیسم اسلامی مترادف با این واژه مطرح می‌شود.^۱ برای مدیریت غرب زدن بر چسب‌های مختلف به اسلام، فی‌نفسه مفید و در راستای اهدافشان است. «توجه کنید ما به اسلامی که برخی مردم آن را بدون صفت می‌دانند باور نداریم. در واقع اسلام به شیوه‌های متفاوت بسیاری بر اساس نیاز مفسران تفسیر شده است...»^۲

تأمل دقیق‌تر در فهم معنای اسلام سیاسی و برخی دسیسه‌هایی که در آن نهفته است، از طریق ضد آن صورت می‌گیرد. مقابل اسلام سیاسی پدیده اسلام غیر سیاسی می‌باشد. با توجه به این دو عبارت در مفهوم‌شناسی واژه اسلام سیاسی به چند مطلب اشاره می‌کنیم:

۱. اسلام دو نوع سیاسی و غیر سیاسی بوده و به تبع آن یکی حقیقت و دیگری ساختگی است. از آنجا که اسلام سیاسی با دیگر مکاتب در عرصه سیاسی مبارزه می‌کند،^۳ در نتیجه اسلام غیر سیاسی صلح‌طلب، عمومی و اصیل است.
۲. هر چه از اسلام سیاسی تقبیح شود، اسلام غیر سیاسی و طرفداران آن از مواردی مانند خشونت، ترور، دنیازدگی و... مبرا و لذا تحسین‌برانگیز هستند.

۱. سید محمد رضا محمود پنهانی، *چالش‌های اسلام سیاسی و غرب*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۵۰.

۲. آنجل راباسا و دیگران، *استراتژی آمریکا؛ توسعه شبکه‌های سکولار و لیبرال در جوامع اسلامی*، ترجمه علی اکبر اسدی، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰، ص ۱۱۴-۱۱۳.

۳. تمام این موارد شایع اما نادرست می‌باشد. به طور نمونه اسلام‌گرایی سیاسی یا اصول‌گرایی معتدل با استکبار خارجی و استبداد داخلی مبارزه می‌کند، اما با ادیان الهی دیگر همزیستی مسالمت‌آمیز دارد؛ نمونه آن اسلام‌گرایی سیاسی در نظام ایران می‌باشد. اما مدیریت غرب آن طور که منافع نظام سرمایه‌داری و صهیونیست بین‌المللی اقتضا می‌کند، تحلیل کرده و آن را رسانه‌ای می‌نماید.



۳. تمام آنچه از فعالیت‌های سیاسی منتسب به مسلمین دیده می‌شود، حتی عقاید و رفتار منحرف لائیک‌ها و تکفیری‌ها، نوعی اسلام (نه عملکرد مسلمانان) می‌باشد.

به این ترتیب تنها راه مبارزه با جریان‌های اسلام سیاسی توسط دشمنانش، مبارزه با اسلام اصیل، قرآن، نبوت و بالاخره به راه انداختن جنگ‌های صلیبی یا به تعبیر مدرن‌تر بر خورد تمدن‌ها می‌باشد. این‌ها قضایایی است که مقدمات، گزاره‌ها و نتایج آن ساخته دست استعمار جدید و در جهت اهداف پیش‌بینی شده می‌باشد.

اسلام سیاسی در جریان مفهوم‌سازی رسانه‌های غربی از جهاتی در برابر واژه اسلام سنتی نیز قرار دارد. این دسته‌بندی در ادامه طرح جدایی دین از سیاست و دو شقه کردن اسلام شکل گرفت. قرآن و سیره نبوی که وجه مشترک مسلمانان سنی و شیعه می‌باشد به صراحت و جدیت وارد مباحث سیاسی شده و دارای احکام و قوانین اجتماعی و سیاسی است. در نتیجه مخفی کردن شکست طرح جدایی دین از سیاست به خصوص پس از انقلاب اسلامی، از بدیهی‌ترین دلایل مورد توجه رسانه‌های غربی و غربگرایان در انتشار اصطلاح اسلام سیاسی یا اسلام‌گرایی سیاسی است.

سیاست‌مداران غربی و رسانه‌هایی که تحت سیطره آنها قرار دارند هیچ‌گاه نخواهند پذیرند که اسلام نیازی به این تقسیم‌بندی و غیر سیاسی ندارد بلکه شالوده‌های این دین با آموزه‌های سیاسی شکل گرفته است. «غربیان امروزه به اسلام به عنوان دینی علیه نوگرایی و مدرنیسم نگاه می‌کنند اما اسلام دینی بر اساس ترتیبات قرارداد اجتماعی و تأسیس جامعه سیاسی است؛ این مسئله مهم بنیان جامعه مدنی می‌باشد.»^۱ علی عزت بگوویچ رهبر مسلمانان بوسنی و هرزگوین می‌گوید:

مدینه پیامبر راهی جدید میان نظریه دولت خدایی فیلسوفان مسیحی و اتویست‌های یونانی بود؛ به این دلیل نامگذاری اسلام سیاسی چیزی جدا از اسلام واقعی نیست تمامی اسلام سیاسی است.^۲

گاهی اسلام سیاسی در مقابله با دموکراسی و فرهنگ مدرنیته غربی مفهوم‌سازی می‌شد.

در دیدگاه آموس پرل ماتر ماهیت واقعی اسلام صرفاً مقاومت در برابر دموکراسی نیست بلکه کلاً دشمن فرهنگ سیاسی دموکراتیک است. - او به غلط - اسلام را یک جنبش رادیکال و جنگ‌سالار نظیر

۱. استغان شوارتز، دو چهره اسلام؛ اسلام وهابی و اسلام شیعی، ترجمه سعید عابدپور، قم، خاکریز، ۱۳۹۰، ص ۳۰.

۲. همان.

جنبش‌های بلشویک فاشیسم و نازیسم می‌خواند که نمی‌توان آن را با مسیحیت غرب سازش داد و بنابراین ایالات متحده باید مطمئن شود که این جنبش در نطفه خفه شده است.^۱

برنامه نظام سرمایه‌داری برای تثبیت و حاکمیت مدرنیته در جوامع غرب و مقابله با اعتراضات مردمی نسبت به اصول نژادپرستانه، غیر عادلانه و غیر مردم‌سالارانه اقلیتی یک‌درصدی بر اکثریت مردم، نیاز به طرح پدیده دشمن تراشی توسط این زرسالاران را داشت. آسان‌ترین گزینه، تفسیر جریان‌های سیاسی اسلام به اسلام سیاسی و ارایه طرح خشن و غیر دموکراتیک از آنها در برابر نظام‌های دموکراسی و مدرنیته بود. اما در بهار اسلامی و حوادث سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ صدای عدالت‌طلبی ملل اسلامی بلندتر از آوای ساختگی جهان سلطه علیه اسلام‌گرایی سیاسی بود و جنبش ۹۹ درصدی و به تبع آن شورش‌های دیگر را در غالب این جوامع علیه نظام سلطه و شاخصه‌های مدیریتی آن، سامان داد.

اصطلاح اسلام‌گرایی سیاسی در دوران معاصر (خاصه بعد از یازده سپتامبر ۲۰۰۱) از سوی دشمنان اسلام در کنار به کارگیری واژه خشونت اسلامی یکی از اهداف خود تهاجم به اسلام ناب و جنبش‌های تحت تأثیر آن به خصوص انقلاب اسلامی قرار داده شده است. یکی از راهبردهای این مفهوم‌سازی‌ها، القای تفکر خشن در اسلام و بهره‌گیری انتخابی و موردی از آیات قرآن کریم است. «قرآن به طور آشکاری از سوی تندروان و تجزیه‌طلبان مسلمان، یهودیان و مسیحیان با هدف نمایش اسلام به صورت زشت مورد استفاده قرار می‌گیرد.»^۲

هراس افکنی از دیگر علل استفاده واژه اسلام سیاسی و مترادفات آن در فرآیند مفهوم‌سازی جهان سلطه علیه مسلمانان می‌باشد. آنها اگر بتوانند تمام جهانیان را از حضور اسلام‌گرایی سیاسی در عرصه بین‌الملل به وحشت می‌اندازند تا در سایه آن منافع خود را دنبال نمایند. ترس ایجادشده در مردم از دوران حاکمیت کلیسا با تمام شاخصه‌های خاص خود دستاویز هراس‌افکنی آنها از جریان‌های خواهان مدیریت سیاسی اسلام می‌باشد. «افکار عمومی غرب پایان قرن حاضر را عصر خطر اسلامی تلقی می‌کنند. ورود اسلام به میدان سیاست حرکتی ارتجاعی تعبیر می‌شود و معادل

۱. فواز. ای. جرجیس، آمریکا و اسلام سیاسی، ترجمه محمد کمال سروریان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۲.

۲. استفان شوارتز، همان، ص ۴۱.

بازگشت به قرون وسطی انگاشته می‌شود.^۱»

بنیادگرایی اسلامی از دیگر نسبت‌هایی است که به طور ناروا بر جریان‌های اصیل اسلامی اطلاق می‌شود؛ حتی اگر به معنای مثبت آن یعنی تلاش برای بازگشت به بنیادهای دینی باشد.

بنیادگرایی اسلامی یک اختراع اسلامی نیست، در همه دوران‌ها بنیادگرایی دینی وجود داشته است و تاریخ قدیم در هیچ مرحله‌ای از وجود آن خالی نبوده است. در دوران جدید نیز بنیادگرایی مسیحی در ایالات متحده، اروپا و اسرائیل شکل گرفته است. نه تنها با این بنیادگرایی‌ها با آهن و آتش در داخل این جوامع دموکراتیک برخورد نشد، بلکه به آنان اجازه داده شده که آزادانه فعالیت کنند.^۲

تضاد آشکار طرح و روش زندگی از سوی نظریه‌پردازان متأثر از سیاست اسلامی با سبک زندگی مصرفی و ماده‌گرایانه سرمایه‌داری از دیگر علل مخالفت غرب با اسلام‌گرایی سیاسی و تخریب این جریان می‌باشد. اسلام‌گرایی سیاسی با تأکید بر خداوند به مثابه مرجع تمام امور انسان نقطه مقابل مفاهیم بنیادین دنیای سکولار و انسان‌محور می‌باشد. از تفاوت‌های دیگر این دو مکتب بشری و الهی اصالت عدالت و شریعت در حیات سیاسی اسلامی و قانون‌محوری و آزادی در زندگی لیبرالیسم می‌باشد. بنیادگرایی^۳ و دیگر واژگان مترادف آن به وسیله مدیریت سیاسی غرب و به عنوان ضد مکاتب سیاسی لیبرال ساخته و پرداخته شد. «غیر عادی بودن و افراط‌گرایی بنیادگرایی در مقابل اعتدال و منطق‌پذیری هژمونی غربی قرار می‌گیرد.»^۴ این گونه معرفی به همراه تبلیغات وسیع برای نامناسب نشان دادن مکتب سیاسی اسلام، تلاشی است تا غرب را خوب بنمایاند و طی آن حقیقت مکاتب سیاسی غرب و دستاوردهای مدیریتی علیل آن پنهان بماند. در این فرآیند پروژه شرق‌شناسی در ادای این خدمت کمک زیادی به جهان سلطه نمود. خاورپژوهی از طریق مدرن‌ترین راه‌های استبداد فکری به جهانیان این گزینه‌ها را تلقین کرد:

۱. بین غرب و شرق تفاوت مطلق و منظم وجود دارد.

۱. سید محمد رضا محمود پناهی، همان، ص ۱۴.

۲. فضیل ابونصر، رویارویی غرب‌گرایی و اسلام‌گرایی، ترجمه حجت‌الله جودکی، تهران، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱.

3. undamentalism

۴. بابی سعید، هراس بنیادین؛ اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۳۷.



۲. بازنمایی^۱ های غرب از شرق نه بر واقعیت جوامع مدرن شرقی بلکه بر تفاسیر متنی و ذهنی استوارند.

۳. شرق لایتغیر (راکد) و یکنواخت است و قادر به تعیین هویت خود نیست.

۴. شرق وابسته و فرمانبردار و دارای ساختاری استبدادی است.^۲

برخی جریان‌های اسلام‌گرایی از تلقین فکری مدیریت غرب در تحقیر (خیالی) شرق و به طور خاص اسلام به واسطه مفهوم بنیادگرایی سرخورده شدند. در حالی که این واژه اولین بار در جهان غرب و نسبت به بخشی از جامعه مدرن شکل گرفت. «پروتستان‌های مسیحی برای اولین بار خود را بنیادگرا خواندند. مسیحیت انجیلی که عنوان دیگری برای بنیادگرایان است در دهه دوم قرن ۲۰ به جریان سیاسی و دینی در برابر اصول و آموزه‌های مدرنیسم تبدیل گشت.»^۳ سلطه‌گران غربی عیوبی که در جوامع خود می‌دیدند، برای انحراف فکری مردم خودشان سریع به جوامع شرقی و اسلامی نسبت دادند. همچنین آن عیوب را به خاورشناسان برای توصیف شرق و جهان اسلام تزریق می‌کردند و آنها نیز آن را به همراه دیگر واژگان نامأنوس میان جوامع اسلامی نشر دادند. برخی خاورشناسان و به پیروی از آنها مسلمانان روشنفکر غرب زده این واژه ارتجاعی را در برابر گروه‌های اسلامی به کار می‌برند. گروه‌هایی که برای مبارزه با غرب به اوج بیداری رسیده و به قیام و مقاومت در برابر مظاهر تمدن غرب دست زده‌اند.^۴

استعمار و نظام سرمایه‌داری کوشید تا دوگانگی عجیبی را میان بشریت با عنوان غرب توسعه یافته و شرق عقب مانده ایجاد و افکار عمومی هر دو سو را از پروسه همدلی در جهت سعادت به پروژه تضاد ریشه‌ای انحراف دهد. بابت سعید دسیسه غربی‌ها را در تزریق اسلام ساختگی به افکار عمومی و به تبع آن نفوذ جریان‌های بدلی و کاذب اسلام‌گرایی این گونه توصیف می‌کند: «آنها در یک دوره‌ای شرق و اسلام را به گونه انحراف شده بیان و معرفی کردند.»^۵ روایت‌های جهان غرب از اسلام و جریان‌های آن در واقع برای معرفی، توجیه و تقویت هویت بی‌اساس خودشان بود. نتیجه این می‌شد که غرب عقلانیت داشت اما شرق غیر عقلانی بود. غرب تساهل داشت و شرق جزمی

1. representation

۲. بابی سعید، همان، ص ۳۸.

۳. محسن قنبری آلانق، بنیادهای سیاسی جنبش صهیونیسم مسیحی و انگاره موعودگرایی، قم، مؤسسه آموزشی- پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸، ص ۸۴.

۴. همان.

۵. بابی سعید، همان، ص ۴۰.

قرآن و سیره نبوی که وجه مشترک مسلمانان سنی و شیعه می باشد به صراحت و جدیت وارد مباحث سیاسی شده و دارای احکام و قوانین اجتماعی و سیاسی است. در نتیجه مخفی کردن شکست طرح جدایی دین از سیاست به خصوص پس از انقلاب اسلامی، از بدیهی ترین دلایل مورد توجه رسانه های غربی و غربگرایان در انتشار اصطلاح اسلام سیاسی یا اسلام گرایی سیاسی است

بود. غرب پیشرفته بود و شرق سنتی و...^۱ در نتیجه برخی از اسلام گرایان نیز فریفته این زشت و زیبانمایی شدند.

تروریسم یکی دیگر از واژگان ساختگی استعمار غرب و بازیگران او علیه جریان های اسلام گرایی سیاسی در عرصه بین المللی می باشد. «نامگذاری تروریسم به اسلامی دلیل خاصی دارد که هویت این تروریسم از دیگران جدا شود. پس نظام های حکومتی غرب زده نیز که از سوی کشورهای غربی حمایت می شوند، و در داخل جهان عربی و خارج از آن تاخت و تاز می کنند باید تروریسم خوانده شوند. اما حقیقت این است که این اصطلاحات از سوی رسانه های تبلیغی به خاطر اهداف سیاسی به کار برده می شوند تا حقایق را واژگونه جلوه دهند.»^۲

چند نکته در بررسی حملات رسانه ای از سوی قدرت های سلطه طلب علیه اسلام گرایی سیاسی قابل بررسی است. تمام یا قریب به اتفاق اتهاماتی که به این جریانات زده می شود، نظیر افرطی گری و تروریسم و بنیادگرایی منفی و... در جوامع غرب به وفور یافت می شود و برخی ها توسط مدیریت سیاسی سلطه حمایت می شوند. برخی عیوب موجود در این جوامع که مردمشان از آن بیزار هستند، به دلایلی از جمله منافع سرمایه داری غرب اصلاح نمی شوند. در عوض مدیریت سیاسی سلطه جامعه خود را به واسطه بازی هایی متوجه این عیوب که ساخته و متورم شده غرب است، در جهان خاورمیانه می نماید. در نتیجه افکار عمومی جوامع مدرنیته را از عقب ماندگی فرهنگی درونی، به سمت فقر و خشونت اسلام سیاسی و تبلیغات کاذب در این باره جهت می دهد. نکته دیگر اینکه بسیاری از جریان های لائیک و تکفیری ساخته دست غرب برای مبارزه با اسلام گرایی سیاسی و جریان اصولگرای معتدل می باشند. جریان های بدلی تا زمانی که برای مبارزه با اسلام گرایی سیاسی کارایی دارند حمایت شده و بعد از آن به طور مستبدانه و سرکوب گرانه ای از عرصه بازی های سیاست جهانی امپریالیست محو

۱. همان.

۲. فضیل ابونصر، همان.



خواهند شد. نمونه آن فرآیند تشکیل، بزرگ‌نمایی و سرکوب و بازسازی جریان تکفیری بن‌لادن و القاعده در سال‌های اخیر می‌باشد. همچنین از طرفی مدیریت سیاسی سلطه، علاوه بر بازی دادن و فریب جوامع خود در مسئله اسلام‌گرایی سیاسی، تا حد توان جوامع جهانی و دول عرب را، از جنایت صهیونیسم^۱ به سمت مسائل ساختگی اسلام سیاسی و اختلافات داخلی سوق می‌دهد.

اسلام‌گرایی سیاسی در جریان لائیک و سازشکار

اگرچه جریان لائیک نیز به معنای جدایی دین از سیاست و تفکیک حوزه فردی و عمومی است، اما با سکولاریسم تفاوت دارد. در جریان لائیک دین در حیطه خصوصی حیات انسان‌ها قرار می‌گیرد ولی در سکولاریسم نه تنها از ساختار حکومتی حذف می‌شود بلکه باورهای دینی در مقابل علم و عقل قرار می‌گیرد. در اینجا تنها بخشی از دین که بتواند با علم و عقل بشری حاکم بر جامعه به توافق برسد، دوام پیدا می‌کند.

اسلام جریان‌های لائیک نیز با سکولارها متفاوت است اما هر دو در طیف جریان‌های سیاسی غرب‌گرا جای می‌گیرند؛ زیرا آنها برای موضوع سیاست در اسلام حرف دارند. آن سخن این است که اسلام در سیاست نقش ندارد. «مسلمانان لیبرال از این نظر با سکولارها متفاوت‌اند که ایدئولوژی سیاسی آنها مبانی مذهبی دارد. اما آنها طرفدار برنامه‌ای هستند که با تفکرات و ایده‌های غربی دموکراسی و پلورالیسم سازگار باشد.»^۲ وجه مشترک این دو جریان مغایرت جدی و عدم ادغام با جریان‌های اسلام‌گرایی اصول‌گرا و معتدل می‌باشد. مدیریت غرب از این تفاوت‌ها در ارایه استراتژی در مقابل اسلام‌گرایی به خوبی بهره می‌برد. «از آنجا که سکولارهای لیبرال حامی خشونت نیستند و در مقابل از تساهل مذهبی پشتیبانی می‌کنند، باید بتوانند همراه مسلمانان لیبرال و میانه‌رو در جریان‌های اصلی جای پای پیدا کنند...»^۳

لذا جریان‌های اسلام‌گرای لائیک با عنوان دیگری به نام اسلام لیبرال در میدان مبارزات اجتماعی جای گرفتند. اسلام‌گرایی لیبرال جریان‌ی مخالف با مفهوم دولت

۱. صهیونیسم و دولت غاصب اسرائیل پدیده بدلی ادیان آسمانی، یعنی بنیادگرایی مسیحیت سیاسی و افراطی‌گری‌های یهودیت سیاسی و نمود روشن تروریسم و خشونت، ارتجاع فکری و بازگشت قرون وسطی در جریان‌های مذهبی-سیاسی جهان می‌باشد. این افراطی‌گری دینی و حامیانش، با غصب سرزمین فلسطین نه تنها نماد جریان‌های بدلی و انحرافی از مسیحیت و یهودیت می‌باشند، بلکه تنها پدیده‌ای است که در عصر حاضر با غصب و غارت خاک و سرزمین مستقل در قاره‌های دیگر و اخراج و کشتار ملت آن تشکیل شده و دوام یافته است. این جریان نیز توسط مدیریت سیاسی غرب ساخته، پرداخته و در تمام سال‌ها از آن حمایت شد.

۲. آنجل راباسا و دیگران، همان، ص ۱۱۳.

۳. همان، ص ۱۸۷.



اسلامی می‌باشد. این جریان ریشه‌های دموکراسی اسلامی را از مفهوم قرآنی شورا استنباط کرده و آنها را به باور نظام سیاسی مساوات‌طلبانه هدایت می‌نماید.^۱ وجه مشترک تمامی طیف‌های لیبرال در این مطلب خلاصه می‌شود که «ارزش‌های اسلامی با دموکراسی، تکثرگرایی، حقوق بشر و آزادی‌های فردی سازگاری دارد.»^۲

اسلام لیبرال یا همان میانه‌شناسی^۳ شده از سوی مدیریت غرب دارای مصادیقی می‌باشد. فدراسیون سازمان‌های اسلامی اروپا (UCIDE)، فدراسیون ملی مسلمانان فرانسه (FNME)، شورای مسلمانان بریتانیا (MCB)^۴ همچنین برخی از جریان‌های لیبرال در بالکان نظیر جامعه اسلامی بوسنی و هرزگوین، دانشکده مطالعات اسلامی و مدرسه «قاضی خسروبیگ» در ساریوو، جامعه اسلامی کوزوو، جامعه دراویش اسلامی علی‌اللهی در تیرانا، جامعه اسلامی علویان آلبانی، جامعه جهانی بکتاشیه به عنوان نمونه‌هایی از این اسلام‌گرایی معرفی شده‌اند.^۵ در ایران نیز جمعیت توحید و تعاون با شعار گفتمان جهانی مسلمانان، در این رده قرار می‌گیرد.

حتی در میان جنبش‌های صوفی‌گرایانه مسلمین برخی سمت‌وسوی لائیسیته لیبرالی داشته و مورد توجه جریان‌شناسی غرب می‌باشند.

برخی از جنبش‌های صوفی بسیار میانه‌رو هستند؛ برای نمونه انجمن طرح خیریه الاحباش لبنان بر میانه‌گری و تساهل تأکید دارد و مخالف فعال‌گرایی سیاسی و خشونت است. فتح‌الله گولن هم شکلی از اسلام صوفیانه و مدرن را تبلیغ می‌کند و مخالف آن است که دولت قوانین اسلامی را اجرا کند و از رژیم‌های ایران و عربستان سعودی بسیار انتقاد می‌کند.^۶

قرار دادن نظام اصول‌گرای ایران در کنار نظام تکفیری آل‌سعود خود حاکی از کم‌سوادی یا فکر سازمان‌یافته مدیریت غرب در مقابله با اسلام‌گرایی اصول‌گرا و تخریب آن می‌باشد.

مدیریت سیاسی غرب جریان‌های اسلام سیاسی لیبرال و لائیک‌ها را در تعامل با یکدیگر قرار می‌دهد. «شرکای سیاسی غرب در منازعه با اسلام‌گرایی رادیکال،

۱. همان، ص ۱۱۳.

۲. همان، ص ۱۱۳.

۳. این طیف جریان‌ها در تحلیل‌های غربی به نادرستی و از غرض‌ورزی با عنوان اسلام میانه مفهوم‌سازی شد.

۴. آنجل راباسا و دیگران، همان، ص ۱۵۴-۱۵۲.

۵. همان، ص ۱۵۴-۱۵۴.

۶. همان، ص ۱۱۷-۱۱۶.

مسلمانان میانه‌رو لیبرال و سکولار دارای ارزش‌های سیاسی سازگار با ارزش‌های جهانی هستند که زیربنای تمام جوامع لیبرال مدرن را تشکیل می‌دهد.^۱ مرکز مطالعات اسلام و دموکراسی واشنگتن از مؤسساتی است که این مأموریت را بر عهده دارد. «هدف این مرکز گرد هم آوردن محققان و فعالان در جهان اسلام برای ترویج دموکراسی است. شرکای این مرکز سکولارها و اسلام‌گرایان میانه‌رو (لیبرال) می‌باشند که به دموکراسی اعتقاد دارند و خشونت را نفی می‌کنند.»^۲

بعد از شکست کمونیسم، اسلام و اسلام‌گرایی به عنوان تنها رقیب غرب مطرح شد. طراحان مبارزه با این رقیب به مدیریت سیاسی غرب پیشنهاد همان نوع مبارزه با کمونیست را دادند؛ از جمله اینکه شبکه‌های گسترده‌ای از اسلام لیبرال را برای مبارزه با اسلام‌گرایی اصول‌گرا بسازند. «فعالیت‌های شبکه‌سازی (اسلام لیبرال یا میانه) ایالات متحده و انگلستان در طول جنگ سرد آموزه‌های ارزشمندی برای منازعه کنونی با اسلام رادیکال است.»^۳

رشد سازمانی جریان اسلام لائیک و لیبرال و حمایت از آنها خود به خود کمک ارزشمندی برای براندازی اسلام‌گرایی سیاسی توسط مدیریت غرب می‌باشد:

طرح و پیشنهاد ما برای تقویت شبکه مسلمانان میانه‌رو - لیبرال - نیز عمدتاً از نظر ماهیت تدافعی است؛ زیرا ما پیشنهاد تقویت توانمندی‌ها و عمدتاً ظرفیت‌های مسلمانان میانه‌رو برای مقاومت در برابر شیوع ایدئولوژی‌های افراطی را مطرح می‌کنیم. با این حال ما تلاش‌های معطوف به ترویج دموکراسی را هم در نظر داریم که به طور مستقیم رویارویی با نظام‌های سیاسی اقتدارگرا (مانند ایران و عربستان)^۴ را به عنوان بخش ضروری از یک استراتژی بزرگ مطرح می‌کند.^۵

برچسب اسلام افراطی همچون عناوین دیگر برای اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا (که خواهان دولت و قوانین اسلامی است) از پروژه مفهوم‌سازی غرب در تخریب این

۱. همان، ص ۱۱۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۰۷.

۴. طرحی که نویسندگان کتاب می‌دهند پرورش اسلام‌گرایی لائیک و لیبرال در برابر هر دو اسلام‌گرایی تکفیری و اصول‌گرا می‌باشد.

۵. نویسندگان این کتاب آنجل راباسا، چریل بنارد، لاول اچ. شوارتز و پیتر سیکل، زیر نظر مؤسسه پژوهشی رند (Rand) فعالیت می‌کنند. این مؤسسه از جمله مراکز مهم پژوهشی راهبردی امریکا است که به قصد کمک در اتخاذ راهبردهای مناسب از سوی رهبران امریکا فعالیت می‌کند.



جریان‌ات نشئت گرفته است. همچنین در کنار هم قرار دادن نظام عربستان و ایران به همین منظور و برای تخریب جریان اصول‌گرای نظام اسلامی و شیعه ایران می‌باشد. عربستان و آل سعود در بسیاری موارد، از جمله مقابله با اسلام‌گرایی اصول‌گرا همراه، حامی و همکار غرب می‌باشد.

غرب‌گرایان طیف دیگری از جریان‌های ذیل این دسته می‌باشند. این مسلمانان از نام اسلام در مواقع لازم بهره برده اما اسلام را به عنوان مکتب تعالی بخش جامعه و نظام سیاسی نمی‌پذیرند. «برخی اسلام‌گرایان غرب را به عنوان تمدن یکپارچه باشکوه و دشمن اسلام تلقی می‌کنند. این گروه از فعال‌گرایان برای عناصری که در ایالات متحده و جهان اسلام منادی جنگ با احیاء‌گرایی اسلامی هستند مصونیت فراهم می‌کنند.»^۱

جریان غرب‌گرایی به طور خلاصه رو در روی هر نوع جریان اسلام‌گرایی سیاسی در جهان تشیع و تسنن است. «غرب‌گرایی با همه نشانه‌ها و نیروهایش علیه جهان عربی اسلامی از داخل اعلام جنگ کرده و غرب همه نیروهایش را برای پشتیبانی از غرب‌گرایی در روبرویی با اسلام‌گرایی به طور غیر مستقیم بسیج کرده است. همان‌گونه که در مخالفت با اسلام‌گرایی از همه سلاح‌هایش به شکل مستقیم استفاده می‌کند.»^۲ کمالیسم یا طرفداران اصلاحات رضاخانی به طور خاص و تمام جریان‌های سکولار از جمله اسلام‌اردغانی معاصر کمی در لفافه‌تر، همین خط فکری را حداقل در عرصه سیاست و اجتماع پی می‌گیرند. البته اسلام‌اردغانی ادعا دارد که دارای حرف در مقابل غرب است و احتمالاً منظورشان در جزئیات مدیریتی نه در اصل و کل نوع نظام حکومتی می‌باشد. پشتیبانی وی از عملیات ناتو در لیبی، تأکید وی بر دموکراسی و اسلام سکولار و فشار بر سوریه، رفتارهایی است که این‌گونه اسلام‌گرایی را مورد توجه مدیریت غرب و امریکا کرده است. با این حال وی در مواقعی از خشونت و کشتار یهودیان انتقاد و به فضیلت و ارزش قیام امام حسین (ع) اعتراف می‌نماید. جمع این دو گونه‌گرایی حاکمی از اعتقاد وی در حوزه فردی و در عوض رفتاری متفاوت با آن اعتقاد یا حتی مغایرش، در حوزه اجتماعی می‌باشد.

جریان‌ات غرب‌زده با این عنوان که اصلاحات سیاسی در جامعه مسلمین برپا نمایند، تنها راه رسیدن به ترقی را استفاده از روش و سبک زندگی غربی در جهان اسلام می‌دانستند. آتاتورک در ۱۹۲۴ خلافت ترک‌های عثمانی را لغو کرد و رژیم سکولاری را

۱. فواز، ای. جرجیس، همان، ص ۳۶.

۲. فضیل ابونصر، همان، ص ۱۵۰.

در ترکیه با محور غرب‌گرایی تأسیس نمود. انحلال خلافت در ترکیه در سال ۱۹۲۴ آغاز تحول اسلام‌گرایی سنتی به اسلام‌گرایی سیاسی لائیک در قرون معاصر بود. آتاتورک حتی ظاهری که اسلام‌گرایی لائیک بعد از رحلت پیامبر با عنوان خلافت اسلامی بنا کرد، را مورد هجوم قرار داد. «طرفداران آتاتورک بالغو خلافت، رابطه مستقیم بین اسلام و اقتدار دولتی را که بیش از هزار سال قدمت داشت از میان بردند. در مقابل این رفتار منجر به تحرک جدی‌تر اسلام‌گرایی سیاسی گردید.»^۱

دین از نظر روشنفکران غرب‌زده در عرصه سیاست برنامه‌ای که موجب پیشرفت و ترقی شود ندارد. آنها تمدن غرب را بهترین جایگزین تمدن اسلام در این موارد می‌دانند. لذا حداقل به گفت‌وگو و مسامحه با جهان مدرنیته بهای زیادی می‌دهند. «آنها غرب را مساوی با تمدن و پیشرفت می‌دانند و در نتیجه تنها ابزار تعامل مثبت و منفی مسلمانان می‌باشد. لذا از این تمدن جدید برای پیوستن به آن و یا در صورت نبود امکان ارتباط و گفت‌وگو، به عنوان یک سلاح برای رویارویی با آن بهره گرفته می‌شود.»^۲

گروه‌های سازشکار مثل تشکیلات خودگردان در دهه اخیر نمونه دیگر انحراف در جریان اسلام‌گرایی سیاسی می‌باشند. یاسر عرفات رهبر این تشکیلات بعد از مدت‌ها ایستادگی به سازش کاری با دولت غاصب اسرائیل روی آورد. در نهایت موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخت.^۳ در حالی که بنیادگرایی صهیونیسم هرگز به این سازش‌ها دل نبست و از توسعه‌طلبی‌های غاصبانه خود کوتاه نیامد و اسلام سیاسی سازشکار از حق سرزمینی و وطن خود چشم‌پوشی کرد. بعد از مرگ یاسر عرفات نیز آنچه رخ داده غالباً از بی‌کفایتی اسلام سیاسی سازشکار (به رهبری محمود عباس) در مواجهه با اسرائیل غاصب و حامیانش خبر می‌داد. شاید در آینده مواضع این جریان با اصول گرایان هم‌سو شود.

اسلام‌گرایی سیاسی در جریان تکفیری و خشن

طیف‌های تکفیری و خشن یکی از جریان‌های منحرف اسلام‌گرایی سیاسی می‌باشند. این دسته از مسلمانان در فعالیت‌های اجتماعی با شاخصه نگاه تک‌بعدی به دین و پیروی از رأی و نظر شخصی و افتادن در دام انحرافات عقیدتی به دوران صدر اسلام

۱. بابی سعید، همان، ص ۷۴.

۲. السید رضوان، اسلام سیاسی معاصر در کشاکش هویت و تجدد، ترجمه مجید مرادی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۳، ص ۱۶.

۳. عبدالله کرمی، پیروزی حماس و چشم‌انداز آینده، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۱۹.

پیشینه دارند.^۱ در عصر حاضر نیز عملکرد و افکار عقیدتی - سیاسی جاهلانه تکفیری‌ها به گونه مستقیم یا غیر مستقیم علیه اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا و دستاویز دشمنان اسلام و مدیریت سرمایه‌داری قرار گرفته است.

تکفیری‌ها جز گروه خودشان مابقی مسلمانان را به بهانه‌های مختلف مشرک یا کافر می‌دانند. توسل به اولیای الهی و طلب شفاعت، ساختن بارگاہ برای مزار بندگان خاص حق به نشانه تکریم و... از مواردی است که آنها برای تکفیر مسلمانان سنی و شیعه به آن توسل می‌جویند.^۲ توسل مسلمین به اولیا

برای توحید و عبودیت رب است و توسل تکفیری‌ها به اعمال شیعه و سنی نسبت به تکریم بزرگانشان، برای تکفیر مسلمین می‌باشد. وهابیت و تمام شاخه‌های بروز آن در اسلام‌گرایی سیاسی عصر حاضر نمونه این گروه می‌باشند. برخی وهابی‌ها امروزه کمی میانه‌روتر از جریان عمومی و تکفیری وهابی می‌باشند. اما طیف محوری به دقت و شدت در تدارک دشمنی با جریان اصیل اسلام‌گرایی سیاسی در جوامع شیعی و سنی و نیز احاطه بر فرآیند بیداری اسلامی و قبضه آن می‌باشند.

محمدبن عبدالوهاب و شاگردان وی در رونق جریان‌های تکفیری دوران معاصر تلاش ویژه داشتند. وی در اربع قواعد و کشف الشبهات تصریح دارد که: «شُرک

۱. امام علی (ع) پیشوای شیعیان قربانی جهالت‌ها و اسلام‌گزینشی جریان تکفیری خوارج بود. «علی با خوارج جنگ کرد و به سختی آنها را شکست داد اما یکی از آنها وی را به قتل رساند. علی اولین زمامدار مسلمانان بود که به دست تندروانی با تفکر تروریستی کشته شد. به این ترتیب دو چهره اسلام با معرفی خوارج و علی به صحنه آمد.»، استفان شوارتز، همان، ص ۶۱.

شیعیان در دوران معاصر نیز قربانیان تروریسم خشونت‌طلبان غربی و دستاویز آنها در برخی طیف‌های مسلمین می‌باشند. در سال‌های جنگ ایران و عراق این غرب و جریان‌های ساختگی آنها از جمله وهابیت بود که به شدت از تجاوزات عراق حمایت می‌کردند. «جنگ میان شیعه و مسلمانان تندرو و خشن چهره خود را در قرن نوزدهم و نبردهای میان مسلمانان ایرانی و فرقه وهابیت در عربستان نشان داد و بعدها عراق تحت حکومت صدام حسین با استفاده از این انگیزه‌ها اعراب را به جنگ علیه ایران تهییج کرد.» همان، ص ۶۵.

۲. وهابی‌ها به خوبی می‌دانند که توسل در مکتب شیعه با توحید آمیخته است. توسل به علل غیر طبیعی دو گونه است: ۱. توسل به عنوان علل مستقل در تأثیر ۲. توسل به عنوان واسطه در رساندن متوسلان به خدای سبحان با اعتقاد به اینکه آنها مظهر و آیت حق (نه بیشتر) می‌باشند.

اگر طلب حاجت فقط از خدا باشد لیکن از راه وسایط مقدسی که در اثر عبادت خدا مراتب معنوی والا می‌کسب کرده‌اند، می‌تواند به آن خدا ما را به رحمت و توجه الهی نزدیک و مشمول عنایات خاصه آن کند. این مطلب هیچ منافاتی با توحید ندارد و عقل و نقل به جواز آن حکم می‌کنند. توسل در فرهنگ امامیه از نوع توسل به وسائل عادی است. مثلاً برای کسب نور و گرما به آفتاب و برای رفع تشنگی به آب و برای برطرف شدن گرسنگی به غذا توسل پیدا می‌کنیم، که توسل به مجاری فیض الهی است. به طور مسلم خاندان عصمت و طهارت به مراتب از این مجاری فیض مادی برتر و بالاترند. عبدالله جوادی آملی، توحید در قرآن، قم، اسراء، ۱۳۸۳، ص ۵۹۶.





مسلمانان غلیظ تر از شرک بت پرستان است. در این رساله بیش از ۲۴ بار مسلمانان (به جز وهابی‌ها) را مشرک خوانده و بیش از ۲۵ بار مسلمانان را کافر، بت پرست، مرتد، منافق، منکر توحید، دشمن توحید، دشمن خدا، مدعیان اسلام، اهل باطل، نادان و شیاطین نامید.^۱ یکی از فقهای وهابی به نام صنعانی در رساله *التطهیر الاعتقاد* کفر مسلمانان (غیر وهابی‌ها) را اصلی می‌داند نه از تعدادی و بیش از ۳۰ بار نام مشرک بر مسلمانان گذاشته و بیش از ۱۵ بار آنان را ملحد، کافر به کفر اصلی، و پرستندگان بت خوانده است.^۲ همچنین نویسندگان *رسائل الهدی* مسلمانان را با القابی چون مشرک، مشرک بزرگ، زشت‌ترین مشرکان و مشرکان بدفرجام خوانده‌اند؛ «غیر از وهابی‌ان باقی مسلمانان خواه ناخواه مشرک‌اند و خون و مالشان مباح است.»^۳

آغاز تاریخ وهابیت بازی قماری بود که بین سعودی‌ها، غربی‌ها و محمدبن عبدالوهاب بسته شد. در آن هنگام جهان شیعه و سنی به بازیچه بودن و انحراف این جریان واقف بوده و با آن به مخالفت و مبارزه پرداختند. «تاریخ دردآلود و پرفراز و نشیب خاورمیانه در طول قرن ۲۰ میلادی تا حد زیادی بستگی به تصمیمات ۲۰ سال اول این قرن در مکه و مدینه و نقش قماربازان مدینه دارد.»^۴

بدلی بودن، بیریشگی و عدم اصالت از خصوصیات گروه‌های تکفیری می‌باشد. با توجه به آثار و مدارک و اعترافات همفر^۵ جاسوس انگلیسی، وهابیت یک جنبش ساختگی می‌باشد. این جریان‌های بدلی با مدیریت غرب در مبارزه با اسلام‌گرایی سیاسی اصیل سعی نموده و در این عرصه از دستاویز دین بهره می‌برند.

اخیراً قدرت‌های شیطانی بزرگ به وسیله حکومت‌های منحرف خارج از تعلیمات اسلامی که خود را به دروغ به اسلام بسته‌اند برای محو قرآن و تثبیت مقاصد شیطانی ابرقدرت‌ها قرآن را با خط زیبا طبع می‌کنند و به اطراف می‌فرستند و با این حیل شیطانی قرآن را از صحنه حذف می‌کنند... می‌بینیم که ملک فهد هر سال مقدار زیادی از ثروت‌های بی‌پایان مردم را صرف طبع قرآن کریم و... تبلیغات مذهب ضد قرآنی می‌کنند و وهابیت این مذهب سراپا بی‌اساس و خرافاتی را ترویج

۱. حمیدرضا اسماعیلی، *القاعده از پندار تا پدیدار*، تهران، اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۶، ص ۲۷.

۲. همان.

۳. همان.

۴. استفان شوارتز، همان، ص ۱۴۳.

۵. همفر، *خاطرات همفر*، ترجمه محسن مؤیدی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۶۳-۳۶.



می‌کنند و مردم و ملت‌های غافل را سوق به سوی ابرقدرت‌ها می‌دهند و از اسلام عزیز و قرآن کریم برای هدم اسلام و قرآن بهره‌برداری می‌کنند.^۱ خودکامگی و استبداد فکر اجتماعی از دیگر شاخصه‌های تکفیری‌ها و جریان‌های غربی هم‌سوی آنها می‌باشد. «وهابیت در جهان عرب توتالیتریسم را آورد. توتالیتریسم وهابی مانند مارکسیسم تجربه اجتماعی مبتنی بر اعمال زور و فشار برای رسیدن به جامعه‌ای مدرن نبود بلکه واکنشی تندروانه محسوب می‌شود.»^۲

خشونت از شاخصه‌های جریان تکفیری در مواجهه با برخی موضوعات اجتماعی است. مدیریت غرب آن را در رفتار تکفیری‌ها هم، مانند خشونت موجود در جوامع مدرنیته نادیده می‌گرفت؛ زیرا نمی‌توانست به فرزند دوست‌داشتنی خود نسبت ناروایی بزند، در عوض آن را به جریان‌های اصیل اسلام‌گرایی سیاسی برچسب زد. «تاب‌گرایی و پیورتانیسم ابن‌الوهاب و شکار کفار در اسلام غالباً در قالب خوارج سابقه دارد. آنها به طور کلی موضوع جدیدی در تاریخ جهان نبودند. هنگامی که ابن‌الوهاب شروع به جمع‌آوری پیروان خود نمود، آتش زدن زنان جادوگر در انگلیس و ماساچوست آمریکا امری عادی بود و تفتیش عقاید از سوی کلیسای کاتولیک در پرو، مکزیک و اسپانیا به صورت دائم وجود داشت. سوزاندن کتاب در غرب چنان گسترده و وسیع بود که قابل بیان نیست.»^۳ هم‌اکنون نیز ملل جهان اخبار آتش زدن کتاب مقدس اسلام یعنی قرآن کریم از سوی افراطی‌های خشن مسیحی و یهودی و دیگر رفتارهای متعصبانه، نظیر ترور و حشیانه مسیحیان شیعه‌شده و مبلغین اسلام و اهانت به بزرگان دینی و حمایت از اهانت‌کنندگان، تهیه کاریکاتورهای مختلف و موهن از نبی اکرم (ص)، مقابله اجباری با حجاب زنان و تضييع دیگر حقوق زنان و مسلمانان را مطلع می‌شوند.

تظاهر جریان‌های تکفیری خاصه سعودی‌ها بر موجه نشان دادن خود و به تبع آن تخریب جریان‌های اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا، از دیگر شاخصه‌های آنها بود.

سعودی‌ها در همه جا تصویری عقب‌افتاده و وحشی از شیعه ترسیم کردند و وهابیت را حافظ و حامی واقعی اسلام سنتی به غربیان نشان دادند. اما واقعیت کاملاً عکس آن بود؛ شیعیان در لبنان، آلبانی، ترکیه، عراق و دیگر کشورها نیرویی متمایل به پیشرفت‌ها و تغییرات اجتماعی بودند اما وهابی‌ها تفکر دینی تنفر و عدم تحمل دیگران را تبلیغ

۱. استغفان شوارتز، همان، ص ۲۱۴.

۲. همان، ص ۱۳۵.

۳. همان، ص ۱۰۳-۱۰۲.

می کردند.^۱

نفاق و دورویی جریان اسلام‌گرایی سیاسی در تکفیری‌های وهابی خصیصه دیگر این طیف در مقابله با صراحت و صداقت اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا بود. حتی این جریان‌های ساخته غرب گاهی از کنترل مدیریت غرب هم خارج شده و آنها را دور می‌زنند.

زمانی که [امام] خمینی آشکارا اعلام داشت که از غرب تنفر دارد او همواره هماهنگ با نقطه نظرانش عمل می‌کرد. ایران از گروه‌های مسلح معدودی به جز [مانند] حزب‌الله لبنان حمایت می‌کرد ولی غرب ایران را به عنوان حامی تروریست دولتی معرفی کرد. ایران دست به تلاشی برای به حرکت آوردن جوامع شیعی آلبانی، ترک، عرب، پاکستانی، هندی و سایر ملل غیر ایرانی نزد، برخلاف ایرانیان رفتار سعودی‌ها بسیار پیچیده بود. وهابی‌ها خود را در برابر غربیان به دورویی و تظاهر تضمین کردند. آنها در تمام ماجراهای دنیا مشارکت دارند و تا مسلمانان سنی در کره زمین را تابع خویش نکنند دست از پای نخواهند کشید.^۲

اسلام‌گرایی سیاسی در جریان تکفیری وهابی‌ها آشکار یا پنهان طیف‌هایی را در جهان رهبری می‌نماید؛ نمونه آن، گروه القاعده که جریانی تکفیری با خاستگاه وهابی - سعودی می‌باشد. خاستگاه اصلی القاعده، وهابیت است که خود ریشه در جنبش سلفی مذهب حنبلی و پیروان اهل حدیث دارد.^۳ این گروه توأمان تحت حمایت غرب و جریان‌های تکفیری متولد شد. «در تشکیل القاعده علاوه بر اشخاصی که رهبری و مدیریت سازمان را عهده‌دار بودند دولت‌های متعددی مانند عربستان و پاکستان و ایالات متحده نیز همکاری بسیار مؤثر داشتند که بدون این همکاری‌ها امکان تأسیس چنین مؤسسه‌ای وجود نداشت.»^۴

اسلام‌گرایی سیاسی در مقابل اسلام ناب اصول‌گرا

اکنون دیگر تردیدی وجود ندارد که رسانه‌های غربی جریان‌های متفاوت و متناقض اسلام سیاسی را در مقابل اسلام ناب و اصول‌گرا که امام خمینی (ره) در انقلاب اسلامی

۱. همان، ص ۲۱۶.

۲. همان، ص ۲۳۱.

۳. حمیدرضا اسماعیلی، همان، ص ۵۲.

۴. همان، ص ۵۴.



با تکیه بر آن به نظام شاهنشاهی و سلطه غرب در ایران پایان داد علم کرده‌اند. این طیف از جریان اسلامی از آموزه‌های اسلام برای مشارکت در حوزه‌های اجتماعی الگوگیری می‌نمایند. سیاست اسلامی اندیشه و پشتوانه فکری این جریان‌هاست. در اینجا تلاش می‌کنیم شاخصه‌های این اسلام را که می‌تواند الگوی بیداری اسلامی باشد به اختصار تبیین کنیم:

۱. سیاست اسلامی در مواجهه با اسلام سیاسی

سیاست اسلامی تنها به فعالیت‌های سیاسی بی‌هدف یا دارای برنامه‌های کوتاه‌مدت درون رژیم طاغوت شناخته نمی‌شود، بلکه رابطه‌ای مستقیم با نظام سیاسی دارد.

اسلام سیاست است، اسلام از سیاست دور نیست. اسلام، یک مملکت، یک حکومت بزرگ به وجود آورده است؛ اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است. منتها سایر رژیم‌ها از بسیاری از امور غافل بودند و اسلام از هیچ چیز غافل نیست. یعنی اسلام انسان را تربیت می‌کند به همه ابعادی که انسان دارد...^۱

در مفهوم سیاست اسلامی، دین مختص به زندگی فردی نیست بلکه عمومی، حاضر و ناظر در تمام شئون حیات اجتماعی می‌باشد.

اسلام... مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیر توحیدی در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد، فروگذار ننموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است...^۲

اسلام سیاسی و سیاست اسلامی و جریان‌های متأثر از این دو به دوران صدر اسلام مرتبط می‌شود. از زمان رسول خدا(ص) جریان‌های متأثر از سیاست اسلامی وجود داشت. از اولین حامیان دیدگاه تشکیل حکومت اسلامی پیامبر بودند که با وجود حاکمیت بت پرستان به طور مرحله‌ای جنبش خود را در برابر سیاست‌های مادی و غیر الهی به تکامل رساندند. جریان سیاست اسلامی حضرت رسول از کادرسازی طولانی مدت در درون جامعه شروع شد و با قیام علیه حکومت و برپایی نظام اسلامی در

۱. صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۰۰.

۲. همان، ج ۲۱، ص ۴۰۳-۴۰۲.

مدینه ادامه یافت و با نوشتن نامه و دعوت رهبران دیگر کشورها به بعد جهانی سیاست اسلامی وارد شدند.

همزمان با دوران رحلت نبی اکرم (ص) پدیده اسلام سیاسی به معنای منفی آن یعنی بهره‌وری از اسلام در سیاست شروع شد. پیامبر که صحت مبانی سیاست اسلامی و جریان‌های حاصل از آن را در غدیر و در مواقع دیگر با طرح موضوع رهبری در سیاست اسلامی، اهمیت و انتصاب او از سوی خداوند مهر تأیید زده بود، در بستر بیماری مواجه با ظهور جریان اسلام سیاسی شد. عدم اطاعت از نبی در ماجرای غدیر، عدم اطاعت از وی در همراهی با سپاه اسامه و نیاوردن قلم و کاغذ برای نگاشتن آخرین وصایای نبی برخی اسناد ظهور این پدیده را نشان می‌دهد. جریان‌های متأثر از این بعد اسلام سیاسی به نصب خلیفه یا رهبر در نظام اسلامی اعتقادی نداشتند. به نظر آنها خلیفه پیامبر از سوی خداوند تعیین نشده و امام معصوم نمی‌باشد. این به طور واضح معنای سیاسی کردن اسلام نه اسلامی کردن سیاست را می‌داد؛ چراکه اگر رهبر نظام اسلامی الهی و منصوب وی نیست پس اوامر و نواهی وی نیز منصوب پروردگار نخواهد بود.

معاصر با امام علی (ع) نیز جریان‌های متأثر از سیاست اسلامی به رهبری امام در بعد فعالیت در درون حکومت (ابوبکر، عمر و عثمان در حد مشاوره خلیفه به سوی احکام الهی) و تشکیل حکومت اسلامی ایجاد شد. در مقابل بنیادگرایی افراطی (تأکید بر روش خلفای پیشین، خوارج)، اسلام‌گرایی ساختگی معاویه، فعالیت‌های سیاسی عایشه و طلحه و زبیر در حد تلاش برای تأثیرگذاری در قدرت شکل گرفت. در نهایت اولین امام و رهبر دینی - سیاسی شیعیان در محل حکومت یعنی مسجد کوفه با طرح ترور برنامهریزی شده مخالفان سیاست اسلامی و جریان علوی به شهادت رسید. این وقایع در دوران سایر ائمه ادامه یافت و دسیسه‌های شیطانی در قالب‌های مختلف به مقابله علیه سیاست اسلامی و جریان‌های ناشی از آن پرداخت. شهادت یا ترور تک‌تک ائمه توسط تکفیری‌ها و دنیاطلبان، انتهای فعالیت‌ها و کارشکنی‌های این جریان‌های سیاسی در ارتباط با رهبران سیاست اسلامی بود.

ائمه (س) هر کدام در مبارزه علیه جریان‌های شیطانی «اسلام دست‌آویز سیاست» به مقابله پرداخته و سیاست اسلامی را از راه‌های نظامی، علمی - فرهنگی، اقتصادی و در دو بعد درون حکومتی و صدور آن به ملل دیگر فعال نموده و منتشر کردند. تمام این بزگواران به شهادت رسیدند که اکثر آنها دسیسه پنهانی از سوی جریان‌های لائیک و تکفیری و نوعی ترور سیاسی محسوب می‌شد. حتی شهادت امام حسین (ع) جهادی بود

جریان‌های بدلی تا زمانی که برای مبارزه با اسلام‌گرایی سیاسی کارایی دارند حمایت شده و بعد از آن به طور مستبدانه و سرکوب‌گرانه‌ای از عرصه بازی‌های سیاست جهانی امپریالیست محو خواهند شد. نمونه آن فرآیند تشکیک، بزرگ‌نمایی و سرکوب و بازسازی جریان تکفیری بن‌لادن و القاعده در سال‌های اخیر می‌باشد

که در آن عده‌ای از خاندانش به طرز ناجوانمردانه ترور شدند. به علاوه ترور شخصیت ائمه و نیز جریان‌های دیگر علوی-سیاسی و سایر مباحثی که از حوزه این پژوهش خارج است. نکته دیگر اینکه جریان‌های انحرافی از یهود و نصاری در گرم کردن این طیف تخریبی علیه سیاست ائمه نقش ایفا می‌نمودند. بعد از ظهور امام خمینی موضوع ولایت فقیه و جریان‌های سیاسی خواهان حکومت اسلامی در عصر غیبت رونق یافت. بنابراین اولین نظام حاصل از تئوری نظام‌مند شیعه در عصر غیبت یعنی ولایت فقیه جامع‌الشرايط به نیابت از امام زمان (عج) در تمام اموری که امام عهده‌دار بود (به جز اختصاصات معصوم)، یعنی جمهوری اسلامی ایران تحقق یافت.

ریشه‌های جریان‌ات اصول‌گرا در دوران معاصر مجموعه‌ای از عوامل داخلی و خارجی هستند. محمد سعید العشماوی که خود طرفدار اسلام غیر سیاسی است این ریشه‌ها را در «تاریخ استعمار، ایجاد حکومت پاکستان، ایجاد حکومت اسرائیل، حکومت‌های نظامی و شبه‌نظامی، فساد، سقوط غرب، کشف نفت، تکنولوژی، افزایش بی‌نظمی در نظام بین‌الملل، سلوک جنسی و امامت در ایران» می‌شمارد.^۱

سیاست اسلامی در مواجهه با واژه عاریتی غرب یعنی اسلام سیاسی، برای بررسی فکر سیاسی در جریان‌های اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا میان جوامع شیعه و سنی، عبارتی مناسب‌تر است؛ نه اینکه با توجه به آموزه‌های تشیع در حقانیت باشد. اسلام‌گرایی سیاسی شیعه در حالی که به پشتوانه رهبری ائمه و ولایت فقیه در عصر غیبت تداوم می‌یافت، اما اسلام‌گرایی اهل سنت بدون حضور یا توجه به الگو و رهبری شایسته فعالیت می‌نمود. لذا اصلی‌ترین تمایز در جریان اصول‌گرای شیعه و سنی وجود رهبری و نقش آن در فرآیند مبارزات سیاسی می‌باشد. دوران معاصر هم‌زمان با بیداری اسلامی در جوامع مسلمین شاهد بروز روشن‌تری از این نقص‌ها حتی در جریان اصول‌گرای معتدل اهل سنت می‌باشد. اگرچه نقص چهارچوب رهبری و نظام حکومتی مطلوب مبتنی بر امام، مشکلاتی را بر کمیت و کیفیت روند انقلاب‌ها و پیروزی‌های سیاسی-در مقایسه با همین مبارزات در جریان‌های شیعی اصول‌گرای معتدل-با خود به همراه داشته است.

۱. محمد سعید العشماوی، *الاسلام/السیاسی*، قاهره، مدبولی صغیر، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱۰.





علمای شیعه از اصلی‌ترین رهبران جریان اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا در دوران معاصر می‌باشند. لذا مدیریت غرب به مبارزه با آنها قد علم کرده و بر چسب ارتجاع و استبداد به آنها می‌زند.

علمای شیعه^۱ به عرفان احترام گذاشته و با شور و عشق غیر معمولی محمد و اهل بیتش به ویژه علی و حسین را محترم و بزرگ می‌شمارند. آنها آزادانه در جست‌وجوی فهم معنویت عمیق اسلام سنتی (اسلام اصیل) می‌باشند؛ همه اینها موجب دیوانگی وهابی‌ها می‌شود. علمای ایرانی شرک و خرافات ایران قبل از اسلام را به دور ریخته اما از میراث عظیم فرهنگی خود محافظت کرده و به تحقیق و پژوهش می‌پردازند. آنها چهره کثرت‌گرای اسلامی هستند. هر چند از دید غربیان مانند مرتجعین و تنگ‌نظران شدید به نظر می‌آیند.^۱

منظور از کثرت‌گرایی در اینجا تحمل گروه‌های رقیب و منظور از اسلام سنتی هر نوع اسلامی است که مانند وهابیت لائیک‌ها بازیچه بیگانه نبوده و اصالت داشته باشد.

... ما بعدها اگر توفیق پیدا کنیم به شرق و غرب اثبات می‌کنیم که این دموکراسی که ما داریم، این دموکراسی است نه آنکه شما دارید... و طرفدارهای ابرقدرت هستند و همه مردم را در اختناق عظیم گذاشتند.^۲

امام خمینی در دوران معاصر به عنوان الگوی رهبری در اسلام‌گرایی اصول‌گرا دشمنی مدیریت غرب را با خود همراه داشت. غربی‌ها در حالی به مبارزه با ایران و امام خمینی می‌پرداختند که هرگز به شخصیت جامع و متعادل امام توجهی نداشتند. «غربیان به نادرستی شخصیتی مثل امام خمینی را به عنوان نمونه‌ای از اسلام تندرو می‌دانند در حالی که وی عارفی بزرگ و غیر متعصب بود.»^۳ پویایی و اجتهاد از شاخصه‌های جریان اسلام‌گرایی امام خمینی می‌باشد. «علی‌رغم اتکای خمینی بر مفاهیم سیاسی مدرن گفتمان‌ش بدون ذکر هر گونه دکتترین‌های سیاسی مدرن منحصراً در عبارت نظریه سیاسی اسلامی خلاصه می‌شود.»^۴

اشتراک برجسته اسلام‌گرایی سیاسی شیعه با جریان‌های اهل سنت در بخش فعال‌گرایی سیاسی، این است که در ابتدای راه، میانه‌مسیر و بعد از پیروزی، به واسطه

۱. استغفان شوارتز، همان، ص ۱۹۰.
 ۲. صحیفه امام، ج ۶، ص ۴۶۳.
 ۳. استغفان شوارتز، همان، ص ۷۴.
 ۴. بای سعید، همان، ص ۱۲۹.

گرایش‌های لائیک‌ی یا تکفیری، ابزار و بازیچه مدیریت غرب نمی‌باشند.

۲. شاخصه‌های اسلام‌گرایی ناب و اصول‌گرا

نشانه‌هایی از شاخصه‌های عمومی جریان‌های اسلام‌گرایی سیاسی در مبحث رهیافت‌انگیزه‌های اسلام سیاسی ذکر شد. اسلام‌گرایی در این جریانات بایستی معتدل، باثبات، اهل جهاد، شهادت‌طلب، قیام‌کننده، به دور از افراط و تفریط، متکی بر اصول، اهل بصیرت، پویا و در نتیجه هدایت‌یافته باشد. همچنین شاخصه‌های جریانات تکفیری و لائیک را که در همان مبحث آمد، نداشته باشد. به این ترتیب حق‌محوری، عدالت‌خواهی، صداقت در سیاست و سازش‌ناپذیری^۱ نیز در جریان اصول‌گرا می‌باشد. توجه ویژه به اصول در فرآیند مبارزات سیاسی حتی سال‌ها بعد از پیروزی و تشکیل دولت از شاخصه‌های مهم این جریان می‌باشد. در این راستا اصول‌گرایی با بنیادگرایی تفاوت اساسی دارد. برخی‌ها از روی غرض اینها را در غرب و اسلام یک معنا کرده و عده‌ای ناآگاه هم از آن پیروی کردند. اصول‌گرایی گرایش به ریشه و خاستگاه و تأکید بر اصول اساسی با نگاه به آینده است. اما بنیادگرایی بازگشت به گذشته و توقف در آن را پی می‌گیرد. اصول‌گرایی را می‌توان در تأکید اسلام بر اصول پنج‌گانه مذهب شیعه و سه‌گانه اشتراکی با اهل تسنن یافت. همچنین در حدیث ثقلین^۲ دو اصل مهم عترت و قرآن مطرح شده که همیشه با هم همراه هستند. به هر حال در اصول‌گرایی اصل اجتهاد و توجه به مقتضیات زمان و مصالح اسلام و مسلمین فراموش نمی‌شود. اصول‌گرایی با عقلانیت معتدل نیز همراه می‌باشد.^۳ عقل‌گرایی معتدل از دیگر شاخصه‌های جریان‌های متأثر از سیاست اسلامی و اصول‌گرایی می‌باشد.

نظریه عقلانیت اعتدالی به مدد باورهای پایه یعنی اولیات، وجدانیات و فطریات حقانیت پاره‌ای از اعتقادات دینی را ثابت می‌کند به گونه‌ای که تشکیک‌بردار نباشد. پاره‌ای دیگر از اعتقادات دینی نیز با حقانیت دسته اول ارزش معرفت‌شناسی پیدا می‌کند و همچنین معقولیت اعتقاد دینی نیز با این فرآیند ثابت می‌شود؛ زیرا کسانی که به خردناپسندی

۱. ر.ک: محمدحسن عبداللہی، *اصلاحات علوی*، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۴.

۲. پیامبر(ص) در حدیثی متواتر فرمودند: انی تارک فیکم الثقلین: کتاب‌الله و عترتی اهل بیته و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض و انکم لن تضلوا ان اتبعتم و اتبعتم و استمسکتهم بهما.

۳. عبدالحسین خسروپناه، *کلام جدید*، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹.



و نامعقولیت باورهای دینی حکم کرده‌اند به آن جهت بوده که گویا باورهای دینی فاقد روش معرفت‌شناسی یا تحقیق‌پذیری‌اند. بر این اساس صدق و کذب را بر آنها باور نمی‌کردند. پس نه تنها باورهای دینی معقولیت دارند بلکه حقانیت نیز دارند و با قراین و دلایل فراوانی تأییدپذیرند.^۱

استعمار غرب در فرآیند تکمیل بدل‌سازی به دقت می‌کوشد تا چهره‌ای نامناسب را از جریان‌های اصیل و شاخصه‌های آن در افکار عمومی نهادینه سازد. تاکتیک غرب بدل‌سازی و تولید نمونه‌های تقلبی می‌باشد. عملیات تروریستی را به جای شهادت‌طلبی، تعصب و تحجر و خشونت را به جای اسلام‌گرایی، جهاد قومیت‌گرایی و قبیله‌سازی را به جای اسلام‌خواهی و امت‌گرایی، غرب‌زدگی و وابستگی را به جای پیشرفت و استقلال به افکار عمومی ملت‌ها تزریق می‌کنند. از سوی دیگر در تلاش‌اند سازشکاری را به اسم عقلانیت، فساد و هرج و مرج را به اسم آزادی و دیکتاتوری را به نام نظم و امنیت در میان ملت‌ها جا بیندازند.

اسلام‌گرایی سیاسی با اشاره به اصول مشترک فعالیت‌های سیاسی آنها عملاً با این گزینه‌ها معرفی می‌شود:

۱. اسلام تنها اسلام است و اسلام فروکاسته و تقلیل یافته به سرمایه‌داری یا سوسیالیسم دیگر اسلام نیست.
۲. غرب قابل اعتماد نیست و برای رهایی از سیطره آن باید در عرصه‌های نظامی، سیاسی، علمی و فرهنگی به مقابله با تمدن غرب پرداخت.
۳. در مقابل الگوها و نظام‌های حکومتی قدیم و جدید اسلام الگوی ویژه‌ای برای حکومت و اجتماع دارد که استعمار، استبداد، تبعیض علیه مسلمین در سطح بین‌المللی و تمایز ماهوی دو تمدن اسلام و غرب تشکیل حکومت اسلامی را ضرورت می‌بخشد.
۴. برای موفقیت مسلمین در سطح جهان ابتدا باید اسلام و دیدگاه‌های خاص آن را در داخل سرزمین‌های اسلامی حاکم نمود و حکومت‌های استبدادی را ساقط کرد.
۵. حاکمیت غیر الهی طاغوت است و هر حکومتی برای مشروع بودن باید منسوب به خدا، قرآن و سنت نبوی باشد.
۶. دستاوردهای منفی تمدن غرب نشانه روح عدالت‌گریز این تمدن و در نتیجه زوال و انحطاط آن است.

طیف‌های تکفیری و خشن یکی از جریان‌های منحرف اسلام‌گرایی سیاسی می‌باشند. این دسته از مسلمانان در فعالیت‌های اجتماعی با شاخصه نگاه تک‌بعدی به دین و پیروی از رأی و نظر شخصی و افتادن در دام انحرافات عقیدتی به دوران صدر اسلام پیشینه دارند. در عصر حاضر نیز عملکرد و افکار عقیدتی - سیاسی جاهلانه تکفیری‌ها به گونه مستقیم یا غیر مستقیم علیه اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرا و دستاویز دشمنان اسلام و مدیریت سرمایه‌داری قرار گرفته است

۷. وضع قانون و اجرای آن باید طبق شریعت باشد تا تمایزات و ظرفیت‌های واقعی اسلام در زمینه‌های مختلف تحقق یابد.

۸. الگوی اسلامی، الهی (دینی) است نه انسانی و بر پایه تمدنی نه شرقی و نه غربی خواهد انجامید.^۱

آنچه رهبری جمهوری اسلامی ایران از ویژگی‌های اصول‌گرایی مدنظر دارد، خاتمه مبحث و معرفی‌کننده طیف‌های اصیل اسلام‌گرایی اصولی می‌باشد. ایمان و پایبندی به آن در عرصه‌های مختلف، عدالت، حفظ استقلال سیاسی، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی، جهاد علمی، تثبیت و تأمین

آزادی و آزاداندیشی، اصلاح و تصحیح روش‌ها، شکوفایی اقتصادی از جمله آن موارد است.^۲

الف. اسلام‌گرایی اصولی شیعه در سیاست

مذهب شیعه اگرچه همواره سیاسی بوده اما اسلام‌گرایی معاصر از اوایل قرن بیستم نمود اجتماعی یافت و مسلمانان مدعی دخالت فعال در سیاست و اجرای احکام شریعت به عنوان قانون، نقش پررنگ‌تری ایفا نمودند. برخی از علما مثل آیت‌الله نائینی در بحث حکومت محدود به قانون، کوشیدند تا اصول مربوط به حکومت قانون را با اصول عقاید شیعه سازگار سازند. اما با شکست این کوشش‌ها و تحکیم ساخت قدرت مطلقه بعد از مشروطه، نوسازی به شیوه غربی و تضعیف مواضع روحانیون، زمینه نظری تقابل میان اسلام‌گرایان اصول‌گرا و جریان‌ات لائیک فراهم شد. در این مرحله علمای شیعه با عبور از نظریه مشروطه به تدریج از حمایت قانون اساسی دست کشیدند و از قانون شرع اسلام و نظام سیاسی اسلام حمایت کردند.

برخی از جریان‌های اصول‌گرا به حضور خود برای نقش‌آفرینی در سیاست به عنوان مرحله مقدماتی و در صورت نبود شرایط قیام علیه طاغوت، اکتفا می‌کنند. جریان‌های

۱. سید محمد رضا محمود پناهی، همان، ص ۴۲-۴۱.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان، ۱۳۸۵/۳/۲۹.



نائینی (۱۳۵۵-۱۲۷۶ق) و شیخ فضل الله نوری (۱۲۸۸-۱۲۲۲)، حزب الله لبنان،^۱ مدرس (۱۳۱۶-۱۲۴۹) و کاشانی (۱۳۴۰-۱۲۶۰)^۲ از جمله این طیف فعال گرای سیاسی شیعه در دوران معاصر می باشند.

برخی از جریان های اصول گرای معتدل در مبارزات خود به طور صریح خواهان برکناری رژیم طاغوت و برقراری حکومت اسلامی می باشند. جریان سیاسی ولایت فقیه در ایران که از سال ۱۳۴۲ بروز یافت از جمله جریان های متأثر از سیاست اسلامی است که خواهان تشکیل حکومت بر مبنای اصل ولایت فقیه بود. امام خمینی با طرح نظریه ولایت فقیه ضمن رد مشروعیت سلطنت مشروطه به نظریه اصلی شیعه درباره امامت و ولایت و حکومت نیابت عامه بازگشت و به این ترتیب در ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) با حرکت به سمت حکومت اسلامی به رهبری ایشان انقلاب شد و جمهوری اسلامی تأسیس گردید و جریان های ناشی از سیاست اسلامی در تشیع وارد مرحله جدیدی شدند.

جریان نواب صفوی (۱۳۳۴-۱۳۲۸) از دیگر جریان های سیاسی متأثر از سیاست اسلامی بود.^۳ نواب طرحی با عنوان حکومت اسلامی ارائه داده بود که در آن در درجه اول حکومت را حق علما می دانست. وی از روش های تبلیغاتی، سعی در حضور در مجلس، نصیحت و انداز مدیران سیاسی، همکاری با علما، مبارزه مسلحانه و... برای رسیدن به اهداف خود بهره برد. البته نائینی هم حکومت را در صورت عدم امکان به غیر فقها، توجیه می کرد. اما جریان نواب به قاطعیت خواهان پیاده کردن احکام اسلام در تمام

۱. بعد از حمله ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان، سه عامل مقابله با اسرائیل، اعتقاد به ولایت فقیه و پیروی از امام خمینی و ضرورت ایجاد تشکیلات جدید، باعث شد که گروه های متفرق اسلامی لبنان نظیر تجمع علمای بقیع، کمیته های اسلامی و جنبش امل اسلامی با کمک و راهنمایی های علی اکبر محتشمی پور (سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران) در دمشق در بلعبک با هم جمع شوند. اما گردهمایی گروهی از حوزویان نجف و قم بود که در همان سال پایه های این جریان را بنا کرد. علی خسروشیری، *انقلاب اسلامی ایران و شیعیان لبنان*، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۸۲-۱۳۰.

مدیریت اصلی و اکثریت شورای حزب الله، ریاست شورای اجرایی، جهادی و سخنگو و دبیر کل و معاون دبیر کل حزب الله به عهده روحانیون است. علی خسروشیری، همان، ص ۱۸۵.

اهداف اصلی یا حداقل میانه این جریان مقابله با استعمار و اتحاد و همکاری در داخل لبنان جهت بهبود اوضاع داخلی کشور می باشد.

۲. آقایان نوری، کاشانی و مدرس حداقل در شرایط موجود نقش آفرینی در حکومت را برای اسلامی کردن بخش هایی از آن به عنوان اهداف مبارزاتی خود و حامیانشان در نظر داشتند.

۳. فداییان اسلام جریان مبارزاتی مرتبط با دوران سلطنت محمدرضا شاه پهلوی بود. این گروه در سال های ۱۳۳۴-۱۳۲۴ با رهبری سید مجتبی میرلوحی (نواب صفوی) فعالیت هایی را علیه استبداد داخلی و استعمار (مبارزه با اسرائیل و مخالفت با پیمان سنتو) انجام داد. تمام اهداف آنها در اسلامی شدن تمام بخش های حکومت خلاصه می شد. آنان اولین گروه از اسلام گرای سیاسی بودند که طرح حکومت اسلامی را به عنوان اساسنامه نظری یا مانیفست خود منتشر نمودند. نرجس عبدیائی، «شیوه های مبارزاتی فداییان اسلام در مبارزه با طاغوت»، ۱۵ خرداد، ۸، ش ۲۸.



جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و نظامی و... در همان زمان بود. جریان‌های اسلام‌گرایی شیعه بر خلاف تسنن به طور صریح از تشکیل حکومت فراملی یا جهانی (در عصر غیبت) حمایت نمی‌کند. اگر چه تئوری صدور انقلاب و حمایت از مستضعفین و دول شیعه و... در راستای خواسته‌ها و سیاست‌های فراملی این طیف‌ها می‌باشد، اما تشکیل حکومت جهانی، آرمانی است که با ظهور حضرت مهدی دوازدهمین پیشوای تشیع به نحو کامل تحقق می‌یابد.

ب. اسلام‌گرایی اصولی اهل سنت در سیاست

اصول‌گرایی سیاسی در اهل سنت نیز با توجه به اهداف نهایی گونه‌های مختلفی دارد. گروهی از آنها با توجه به اوضاع به نقش‌آفرینی در سیاست و حضور در مجلس و ساختارهای سیاسی برای اعمال خواسته‌های خود روی می‌آورند. جریان سیاسی جماعت اسلامی افغانستان^۱ نمونه آنهاست که با گذشت سال‌ها هنوز مبارزه جدی و فراگیری برای رسیدن به قدرت به معنای تشکیل حکومت انجام نداده است.

برخی از جریان‌های اهل سنت از همان ابتدا خواهان تشکیل حکومت اسلامی می‌باشند. جریان اسلام‌گرایی سیاسی اخوان المسلمین در این دسته جای می‌گیرند.^۲ حماس جریان دیگری است که خواهان حکومت ملی اسلامی بود و در بخش‌هایی از فلسطین اهداف ملی خود را تحقق بخشید.^۳

طیفی از جریان‌های اسلام‌گرایی سیاسی اهل سنت خواسته‌های فراملی به معنای

۱. یکی از احزاب مهم اسلام‌گرا در افغانستان که مؤسسان آن پوهاند و برهان‌الدین ربانی می‌باشند؛ اهداف این حزب، دفاع از استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، حفظ حاکمیت ملی و تمامیت ارضی، تأمین عدالت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر پایه آموزه‌های دینی و اصول دموکراسی می‌باشد. همچنین معتقد است که از گرایش‌های نژادی و قومی و صنفی و منطقه‌ای و زبانی و طبقاتی اجتناب می‌ورزد. وابستگی به استبداد داخلی و استعمار خارجی را نفی و با آن مبارزه می‌کند. ش.ن. حق‌شناس، *دسپیس و جنایات روس در افغانستان*، تهران، کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۳، ص ۳۳۵-۳۳۴.

۲. اخوان المسلمین در ۱۳۰۷ش به رهبری حسن البنا در شهر اسماعیلیه مصر تأسیس شد. هم‌اکنون اخوان شعبه‌های مختلفی را در کشورهای عربی از جمله مصر، فلسطین، اردن، سوریه و... دارد. اگر چه اینها تاکتیک‌های مبارزاتی مرحله‌ای و تقریباً مسالمت‌آمیزی داشتند، اما شعار عمده آنها تشکیل دولت اسلامی و مبارزه با استعمار بود. اسحاق موسی‌الحسینی، *اخوان المسلمین*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۵، ص ۸۵-۸۱.

در شرایط کنونی اخوان المسلمین سوریه ایده و تاکتیک مبارزاتی همسو با غرب، برای براندازی نظام سوریه اتخاذ نموده است.

۳. مقاومت اسلامی یا حماس با هدف آزادی تمام خاک فلسطین در ۱۹۸۷ توسط شیخ احمد یاسین، عبدالعزیز رنتیسی و محمد طه اعلام موجودیت کرد و از سال ۲۰۰۷ کنترل بر نوار غزه را به دست آورد. هدف عمومی آن برقراری دولت اسلامی و هدف استراتژیک آن آزادسازی همه سرزمین فلسطین می‌باشد. جواد الحمد و ایاد برغوثی، *سیری در اندیشه سیاسی حرکت مقاومت اسلامی فلسطین*، تهران، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۱۳۸۲، ص ۶۱-۶۰.

تشکیل خلافت را دارند. شعار اصلی حزب التحریر برقراری خلافت اسلامی و بازگشت به عصر طلایی خلافت می‌باشد. «اهداف تعیین شده حزب التحریر عبارت است از بازآفرینی یک دولت اسلامی - تعبیری آرمانی از خلافت - که زمانی بر جهان اسلام حاکم بود.»^۱

۱. گروه بین الملل بحران، اسلام، رادیکال در آسیای میانه در واکنش به حزب التحریر، ترجمه احسان موحدیان، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۲۴.

حزب التحریر در سال ۱۹۵۲ به رهبری تقی‌الدین النبهانی (۱۹۷۷-۱۹۰۹) فقیه و فعال فلسطینی اهل سنت تأسیس شد. محل تأسیس حزب بخشی از بیت المقدس بود که در آن زمان تحت حاکمیت اردن بود. پس خاستگاه منطقه‌ای این حزب اردن بود، اما به سرعت به مناطق دیگر جهان اسلام گسترش یافت.

اگر چه برخی‌ها النبهانی را به حنفی‌ها خاستگاه وهابیت، مرتبط می‌دانند اما در واقع وی دارای رویکرد مذهبی مستقل از چهار مذهب رسمی اهل تسنن بود. دولت آرمانی مدنظر این حزب که از سطح کشور به معنای علمی فراتر می‌رود آمیزه‌ای از خلافت کهن و حاکمیت مدرن می‌باشد. «مؤلفه اصلی دولت، شخص حاکم یعنی خلیفه خواهد بود. وی توسط مجلس الامه که یک شورا است انتخاب می‌شود. اعضای این شورا نیز به نوبه خود توسط مردم انتخاب می‌شوند. احزاب سیاسی نیز مجاز به فعالیت خواهند بود؛ مشروط به اینکه بر مبنای ایدئولوژی اسلامی عمل کنند و در چهار چوب شریعت در برابر خلیفه پاسخگو باشند. امیر می‌تواند کنترل امور نظامی و روابط خارجی را بر عهده داشته باشد. امکان برقراری روابط دیپلماتیک با دولت‌های امپریالیست مانند انگلستان و آمریکا وجود ندارد و چنین دولتی با اسراییل در وضعیت جنگ خواهد بود. یک دولت اسلامی از پیوستن به سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل امتناع خواهد کرد و به طور کلی با کافران در حالت جهاد خواهد بود. محور اصلی سیاست اقتصادی حزب التحریر بازگشت به نظام پولی طلا پایه و تنفر از سرمایه‌داری است اما آنچه که دقیقاً جایگزین نظام سرمایه‌داری می‌شود مبهم است.»

این جریان سیاسی حضور مسالمت‌آمیز در قدرت برای رسیدن به آن را نمی‌پذیرد. «حزب التحریر در بیشتر آثار خود مشارکت در دموکراسی پارلمانی یا هر گونه اتحاد با دیگر احزاب سیاسی به منظور کسب قدرت را رد می‌کند.» این حزب از ترور و خشونت نیز برای رسیدن به قدرت استفاده نمی‌کند. «حزب التحریر با سیاست امریکا در خاور میانه به شدت مخالف است اما خواستار اقدام تروریستی بر ضد امریکا نیست. در واقع حزب التحریر مدعی مخالفت با فعالیت‌های تروریستی است و بر این نکته اذعان دارد که کشنار غیر نظامیان بی‌گناه بر ضد قوانین امریکاست.» گروه بین الملل بحران، همان، ص ۳۰-۲۷.

گستره فعالیت حزب مختص به منطقه خاصی نیست؛ این جریان در سطح جهانی شعبه‌ها و بخش‌هایی را تأسیس نموده است. «جریان التحریر در خاور میانه و شمال آفریقا (اردن، مصر، تونس، عراق و سوریه) و در اروپای غربی (آلمان، دانمارک و انگلیس) اندونزی، پاکستان و آسیای میانه (ازبکستان و تاجیکستان) به صورت شبکه‌های کوچک یا بزرگ و به گونه قانونی یا غیر قانونی به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهند. گروه بین الملل بحران، همان، ص ۵۲-۴۰.

از نظر حزب التحریر هیچ کدام از دولت‌های کنونی صلاحیت تام را ندارند. «عربستان سعودی و ایران فاقد معیارهای اصلی یک دولت اسلامی می‌باشند.» گروه بین الملل بحران، همان، ص ۱۵۰. اما از طرفی این حزب از سوی نئوهایی‌های رادیکال متهم به پذیرش شیعه می‌باشد. گروه بین الملل بحران، همان، ص ۱۳۷.

در جریان‌های بیداری اسلامی محمد علا ابوالعزائم یکی از رهبران حزب التحریر مصر، مردم را به شدت از سپردن قدرت حکومتی به وهایی‌ها بر حذر می‌دارد. «وی هشدار داد که سلفی‌های وهایی در صورت رسیدن به قدرت مصر را به دوران جاهلیت (حداقل ۵ هزار سال پیش) برمی‌گردانند.» خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، کد خبر: ۳۰۶۸۶۷۰۱.

نتیجه گیری

اشتراک برجسته اسلام‌گرایی سیاسی شیعیه با جریان‌های اهل سنت در بخش فعال‌گرایی سیاسی، این است که در ابتدای راه، میانه‌مسیر و بعد از پیروزی، به واسطه‌گرایی‌های لائیک یا تکفیری، ابزار و بازیچه مدیریت غرب نمی‌باشند

رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۴ از سه جریان در فضای اسلام‌گرایی سیاسی یعنی ۱. جریان اسلام تکفیری متحجر و خشن؛ ۲. جریان اسلام لائیک و سازشکار؛ ۳. جریان اسلام اصول‌گرای معتدل و عقلانی نام بردند؛ که تنها یک جریان آن اصیل است و دو جریان دیگر ساختگی دست‌بیگانه، خاصه جهان غرب می‌باشد.

همچنان‌که بدلی بودن برخی طیف‌های مسلمان نقش‌آفرین در عرصه سیاست از دید تیزبین رهبر انقلاب پنهان نمانده، در آینده نیز موضوع از منظر مردم و جریان‌های اسلام‌گرایی سیاسی به دقت واری می‌شود. جریان‌های غیر اصیل در دو گروه عمده اسلام‌گرایی تکفیری، متحجر و خشن و گروه اسلام لائیک سازشکار تقسیم‌بندی می‌شوند. این بدین معناست که جریان‌های ساختگی با هر عنوانی، در داخل این دو دسته قابل ارزیابی است. از طرفی جریان دیگری به نام اسلام اصول‌گرای معتدل، به عنوان جریان حقیقی اسلام‌گرایی سیاسی معرفی می‌شود. آگاهی و اطلاع‌رسانی از این چنین خود قدم مهمی در پیشبرد اهداف جریان‌های اصیل و بیرون کشیدن پرده‌های ابهام و غبار آلودگی در عرصه حیات اجتماعی مسلمانان می‌باشد. افکار عمومی به مرور دقت ویژه‌ای در فرآیند انقلاب و رهبری و روند بعد از پیروزی دارند تا مبادا جریان‌های اصیل و بدل جایگزین هم شده و بعد از سال‌ها دوباره به وضعیت اول بازگردند.

یک راه تمیز جریان‌های اصیل و کاذب در آینده انقلابات اسلامی، رویکردشان نسبت به دو قطب مستضعفین و مستکبرین می‌باشد. «دو قطب مستضعفین جهان به رهبری جنبش مسلمین و مستکبران جهان به رهبری امریکا و ناتو ایجاد شده است و اردوگاه سومی وجود ندارد.»^۱ در نتیجه از خطوط قرمز جریان‌های اصیل اسلام سیاسی و تمیز از طیف کاذب در تمام فرق اسلامی حضور یا عدم حضور آنها در جبهه مستضعفین و مستکبرین با مدیریت غرب می‌باشد. در این راستا اردوگاه سومی وجود نداشته و همه خط مشی‌ها به یکی از این دو قطب ختم می‌شود.

چشم‌انداز جریان‌شناسی اسلام‌گرایی سیاسی از سیاست اسلامی و جریان‌های متأثر از آن در شرایط معاصر از حضور، پرورش و غلبه دو حوزه اسلام اهل سنت و

۱. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴.



رهبر معظم انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۴/۱۱/۱۳۹۰ از سه جریان در فضای اسلام‌گرایی سیاسی یعنی ۱. جریان اسلام تکفیری متحجر و خشن ۲. جریان اسلام لائیک و سازشکار ۳. جریان اسلام اصول‌گرای معتدل و عقلانی نام بردند؛ که تنها یک جریان آن اصیل است و دو جریان دیگر ساختگی دست بیگانه، خاصه جهان غرب می‌باشد

تشیع جریان‌های اصول‌گرای معتدل و عقلانی خبر می‌دهد. جریان‌های تکفیری و سازشکار با پیشروی جریان‌های اصول‌گرایی عقلانی در عرصه جهانی و جنبش‌های سیاسی کم‌رنگ خواهند شد. لازمه این موفقیت در درجه اول هم‌گرایی جریان‌های اصیل اسلام‌گرایی سیاسی در تشیع و تسنن می‌باشد. این جریانات با پیدایش بیداری اسلامی که موج‌علنی و گسترده آن در سال‌های ۹۰-۱۳۸۹ با پیروزی تونس و غلبه بر حکومت‌های دیکتاتوری مصر و لیبی و یمن به قطعیت رسیده می‌تواند بروز کامل و جامعی داشته باشد. کنار کشیدن این جریانات، یا افتادن در دام غرب در ایجاد تفرقه درونی جریان‌های اصول‌گرای شیعه و سنی و تلاش برای تقابل طیف‌های اهل سنت و تشیع، می‌تواند به تشکیل نظام‌هایی با سرکردگی جریان‌های غیر اصیل تکفیری یا سازشکار لائیک منجر شود. در این هنگام بعد از سال‌ها دوباره همان نظام‌های دیکتاتوری بانفوذ و توطئه‌اجانب ریشه‌دوانیده و رشد می‌یابد. دوباره لازم است انقلابی شود و خون‌هایی ریخته شود تا دیکتاتوری حاصل از جریان‌های غیر اصیل ریشه‌دوانده در جوامع اسلامی سقوط نماید و تاریخ همین‌گونه تکرار شود.

احزاب و کادر رهبری جریان‌های سیاسی جهان اسلام نقش اساسی در پیشرفت اهداف اصیل دارند.

شاخصه‌های احزاب و نخبگان سیاسی، هوشیاری و بی‌اعتمادی به وعده‌های امریکا و نهراسیدن از تهدیدهای پوشالی دشمنان اسلام، پرهیز از ورود به بازی‌های دلارهای نفتی وابستگان و متحدان غرب در میان دول غربی، کمک به روند احیای هویت اسلامی ملت‌ها، تکیه بر مردم‌سالاری دینی، بی‌اعتنایی به اسلامی‌امریکایی و انگلیسی، پافشاری بر اصول پرهیز از مقاومت و تکیه بر عقلانیت و حکمت می‌باشد.^۱

نگریستن به چشم‌انداز اسلام‌گرایی سیاسی اصول‌گرایان دقت در برخورد با تهدیدها

را می‌طلبد. تبیین این موضوع با مثال‌هایی از پدیده بیداری اسلامی قرن ۲۱ روشنگری می‌کند.

بازماندگان اصلی صحنه مصر، تونس و دیگر کشورها در بحران عمیق اعتماد جهانی و بحران تصمیم‌گیری فرورفته‌اند؛ که بعد از ناتوانی در مهار و سرکوب بیداری ملت‌ها تلاش می‌کنند که بر اتاق فرمان ملت‌ها مسلط شوند. با نفوذ به درون احزاب قومی و ایجاد تفرقه میان مردم و از روش‌های گوناگون دیگر ساختارهای فاسد قبلی را حفظ و خسارت بسیار گسترده ناشی از بیداری اسلامی را جبران کنند و با کمک دلارهای نفتی حکومت‌های وابسته منطقه، ضمن حفظ رژیم صهیونیستی به جبهه مقاومت ضربه بزنند.^۱

مدیریت بهینه جریان‌های اصول‌گرای معتدل عقلانی در جهان تشیع و تسنن، بر انقلاب‌ها و طرح‌های حکومتی بعد از آن و استمرار در رسیدن به آینده مطلوب اسلام‌گرایی، نقش مهمی ایفا می‌کند. الگوی موفق انقلاب اسلامی ایران خود سندی بر چشم‌انداز آینده این جریان‌ها و انقلاب‌ها می‌باشد. در این هنگام تلاش در جهت پیشرفت و نهادینه کردن آموزه‌های اسلام ناب محمدی (ص) و پان‌اسلامیسم، بی‌خدایی و الحاد را به عقب نشانده و راه را برای نفوذ اسلام اصیل در میان تمام جوامع و ادیان و محو هر گونه مکتب ساختگی و دروغین که خود را در پوشش نام اسلام یا مسیحیت یا یهودیت پنهان نموده‌اند، فراهم می‌نماید. اولین آنها جریان ساختگی و غاصب صهیونیسم بین‌الملل است که با هم‌گرایی جریان‌های اصول‌گرایی حاکم و جنبش‌های فعال اصول‌گرایی در سال‌های آتی به یاری و اذن خداوند متعال ضعیف‌تر و در نهایت نابود خواهد شد.

۱. همان.

